

نظر بنده خیلی مهم است و باید تحقیق شود

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - مدافعه آقای فتح الدوله بیشتر بر سوء ظن انسان می افزاید زیرا اگر چیزی نیست و اداره تلگراف خانه واقعا منظم است چه مانعی دارد از اینکه ۴ نفر برود رسیدگی کنند بعد بیایند بگویند هیچ چیزی نبود و کاملاً منظم است ولی حالا که شما مدافعه میکنید بیشتر تولید سوء ظن می کند بنده هم از تلگرافخانه اطلاعات دارم که يك قسمتش را در ده ماه قبل بر سر رساندم مگر در همین تلگرافخانه نبود که تلگراف مستشار الملک بمجلس کرده بود ضبط کردند و بمجلس ندادند تا اینکه سوادش را در بغداد طبع کرد باینجا فرستاد مگر در همین مملکت نبود که کیل بدون تقصیر و محاکمه تبعید کردند و قریب ۲ سال است در ولایت غربت زندگانی میکند ؟

اینهارا کی کرد همین وزیر است و همان اشخاص و همان کلنلها اگر واقعا مطمئن هستید چه عیبی دارند بر و نرسیدگی کنند این بد حرفی است ؟ بد تقاضای است ؟ هیچ در این است که در یک واقعه تا مابک حرفی می زنیم فوراً تصور می کنند مقصود ما این است که بدولت حمله کنیم و کاپیترا ساقط کنیم ؛ نه اینطور نیست و بنده هم اینطور نبودم و از اول مجلس تا بحال بی طرفی و بی غرضی خود را به آقایان ثابت کردم و من در عین اینکه با دولت و رئیس الوزرای حاضر مخالف بودم و هستم و از نقطه نظر اقلیت با هر چیزی که دولت پیشنهاد می کند باید مخالفت بکنم معذک مخالف نکردم خود شما در این مجلس دیدید که من طرف دار عقیده خودم بودم در عین اینکه مخالف با حکومت و دولت حاضر بودم بهر قانونی که موافق مصالح مملکت یافتم رای داده ام و مدافعه کردم . تمام رفقای من اینطور بودند ،

تا وقتی يك حرف می زنیم از نقطه نظر اشتراك عقیده است همه و گیل هستیم . مسئول مملکت می باقیم از نقطه نظر مصالح مملکتی فرق بین اقلیت و اکثریت نیست اگر يك روزی بگوئیم وزیر است و تلگراف فلان خلاف را کرده است نباید بصرف اینکه اکثریت پشتیبان حکومت است یازوی حق گذاشت ،

آقایان وظیفه اکثریت است که نگذارند دیگری استیضاح کند و خودش اصلاح کند اکثریتی که می خواهد زمام مملکت در دستش باشد و پشتیبان يك حکومتی باشد باید خودش جلو گیری از اجحاف و تمذیبات کند و نگذارند صدای اقلیت نرآید بنا بر این علاوه بر این تقاضا بنده

استاد دیگری ارائه می دهد در چندی قبل با ۱۰ شانزده نفر از ایندگان پیشنهادی کردیم و تقدیم بمقام ریاست نمودیم بعد دیگر تفهیمیدم چطور شد پیش نهاد ما راجع بمدلیه بود که تقاضا کردیم کمیسیون تحقیقی معین شود بروند در اجرای مدلیه به بینند احکامی که موقوف الاجرا مانده چقدر است و علت توقیف آنها چیست ؟ اگر بنده فردا یا امروز تقاضا کنم مجلس کمیسیون تحقیقی انتخاب کند بفرستد بمالیه و صندوق و خزانه مالیه را تفتیش کنند ببینند چه اجحافاتی چه تمذیبات و هرج و مرج هائی در آنجا تولید شده است می گوئید این حرفها را نباید زد و این اهمیت ندارد بنابراین مطابق قانون اساسی این تقاضا را می کنم شما قبول نمی کنید نکنید ولی ما بوظائف خود عمل کرده و ایفای وظیفه می کنیم البته رای با آنهاست است که از حیث حدود زیاد تر هستند ولی نمی توانند بگویند شما حق ندارید با اینها چیزی است و اهمیت ندارد دعوائی نداویم اختلاف عقیده که نباید موجب خصومت بشود مطابق قانون اساسی پیشنهاد می کنیم يك کمیسیون تحقیقی برای رسیدگی بامور تلگراف خانه يك کمیسیون تحقیقی برای رسیدگی بامور اداره اجرای عدلیه و احکامی که موقوف الاجرا مانده و يك کمیسیون برای امور مالیه معین شود و اسناد راجعه به آنها در پشت این تریبون خوانده شود تا مردم حق را تمیز بدهند آنوقت لازم نیست که بنده بگویم وقتیکه مردم از حقایق مطلع شدند و دانستند

که من بوظیفه عمل می کنم دیگر با کسی بر من نیست منتها اگر بیش از این قدرت داشته باشم (لا تکلف الله نفساً الا وسعها) اگر واقعا مطمئن هستید که چیزی نیست بپذیرید و باشوق شرف این کمیسیونها را قبول کنید و اگر می دانید چیزی است از نقطه نظر مسؤلیت باید خودتان بر ما تقدم بجوئید پس ما در این جا آمده ایم چکار کنیم وجه کرده ایم برای این مملکت چه اندازه از حیث و میل یا تمذیبات حکام جلو گیری کرده ایم امروزه با دوره فترت چه فرقی دارد دوره فترت هم همین طور هرج و مرج بود حکام وزراء هر چه می خواستند می کردند بنده اسنادی دارم و هر روزی که برای استیضاح حاضر شوند عرض خواهم کرد نهایتاً اگر هم مغلوب شوم از مغلوبیت نمی ترسم نتیجه مبارزات یا غالبیت است یا مغلوبیت البته ما عداً قلیل هستیم و در موقع رأی مغلوبیم ولی بصرف مغلوبیت ما نباید دست از وظیفه خودمان برداریم بنده اسناد دارم آقای وزیر است و تلگراف سه هزار تومان مضارح مسافرت رم را گرفته است سفارش در دست من است و حواله بمالیه شده است و معلوم نیست چرا طغره میروند اگر چه نظامنامه میگوید تا یکماه باید جواب بدهند این

آدم ماهی هفتاد پنجتومان بعنوان حقوق مملی از تلگرافخانه بگیرد و سندش را هم دارم در صورتی که مملی هم نمیکند و آن معلم بدبخت که نان ندارد و جان میکند باید تعطیل و گرو کند شش ماه هفت ماه حقوقش عقب بیفتد خیلی چیزهای دیگر هست که بنده اسنادش را دارم بصرف این که اکثریت پشتیبان این حکومت است نباید وزیر و و بال هر حکومتی را بعهده خودش بگیرد و خودش نباید بگذارد اینطور بشود

(بعضی گفتند صحیح است)
آقای قاسم یعقوب - (با صدای بلند) وکیل که از وکیل استیضاح نمی کند پشت تریبون استیضاح میکنند تا ما هم جواب بدهیم اکثریت همه همراه هستند

ملك الشعراء - همین تدین برای قرارداد کنفرانس داده (همه هم و داد و فریاد بین نماینده گان)
در این موقع آقای رئیس از مجلس خارج و نماینده گان نیز با داد و فریاد و همه خارج گردیدند و دیگر مجلس تشکیل نشد)
رئیس مجلس مؤتمن الملك

جلسه ۱۸۷
صورت مشروح مجلس
یوم سه شنبه بیستم قوس
۱۳۰۱ مطابق لیست
دوم ربیع الثانی ۱۳۴۱
(مجلس دوساعت و یک ربع قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید)

(صورت جلسه یکشنبه هجدهم قوس را آقای مستشار السلطنه قرائت نمودند)
رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - راجع به جنس شیروان عرض کردم اهالی حاضرند بفرند و در صورت جلسه نوشته شده است با يك نك علاوه اهالی حاضراند بفرند تقاضا می کنم اصلاح شود
رئیس - آقای عدل السلطنه (اجازه)
عدل السلطنه - آقای آقا سید حسن خان راجز دیر آمده گان بی اجازه نوشته اند در صورتی که سبب دیر آمدن ایشان این بود که نزد طبیب رفته بودند و به توسط بنده هم اطلاع داده بودند

رئیس - دیگر ایرادی نیست ؟
رپورت شنبه اول راجع بنمایند بوشهر

مطرح است
یک نفر از نمایندگان - هنوز طبع و توزیع نشده است
رئیس - طبع و توزیع شده است
آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - راپرت شنبه راجع به نماینده بوشهر هنوز طبع و توزیع نشده است و به هیچ کسی داده نشده است
رئیس - بودجه عدلیه از ماده هشتم مطرح است

رئیس الوزراء - چند روز قبل از طرف مقام ریاست بوزیر است و تلگراف اطلاع داده شده که بعضی از نمایندگان محترم از ایشان استیضاح نموده اند دولت در نظر داشت از مجلس تقاضا کند که وقت استیضاح را معین کنند و قانوناً هم دولت حق داشت که استیضاح را بتأخیر اندازد ولی چون در جلسه پریروز بدولت تذکر داده شده بود که چرا برای استیضاح حاضر نمیشود لذا تقاضا می کنم موقع استیضاح راه روقت آقایان نماینده گان معین کنند حتی اگر عجله هم دارند دولت حاضر است همین امروز جواب استیضاح را بدهد

رئیس - آقای ملك الشعراء (اجازه)

ملك الشعراء - حالا که دولت برای جواب استیضاح حاضر شده اند بنده پیشنهاد میکنم که مجلس همین امروز را برای استیضاح وقت معین کند

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

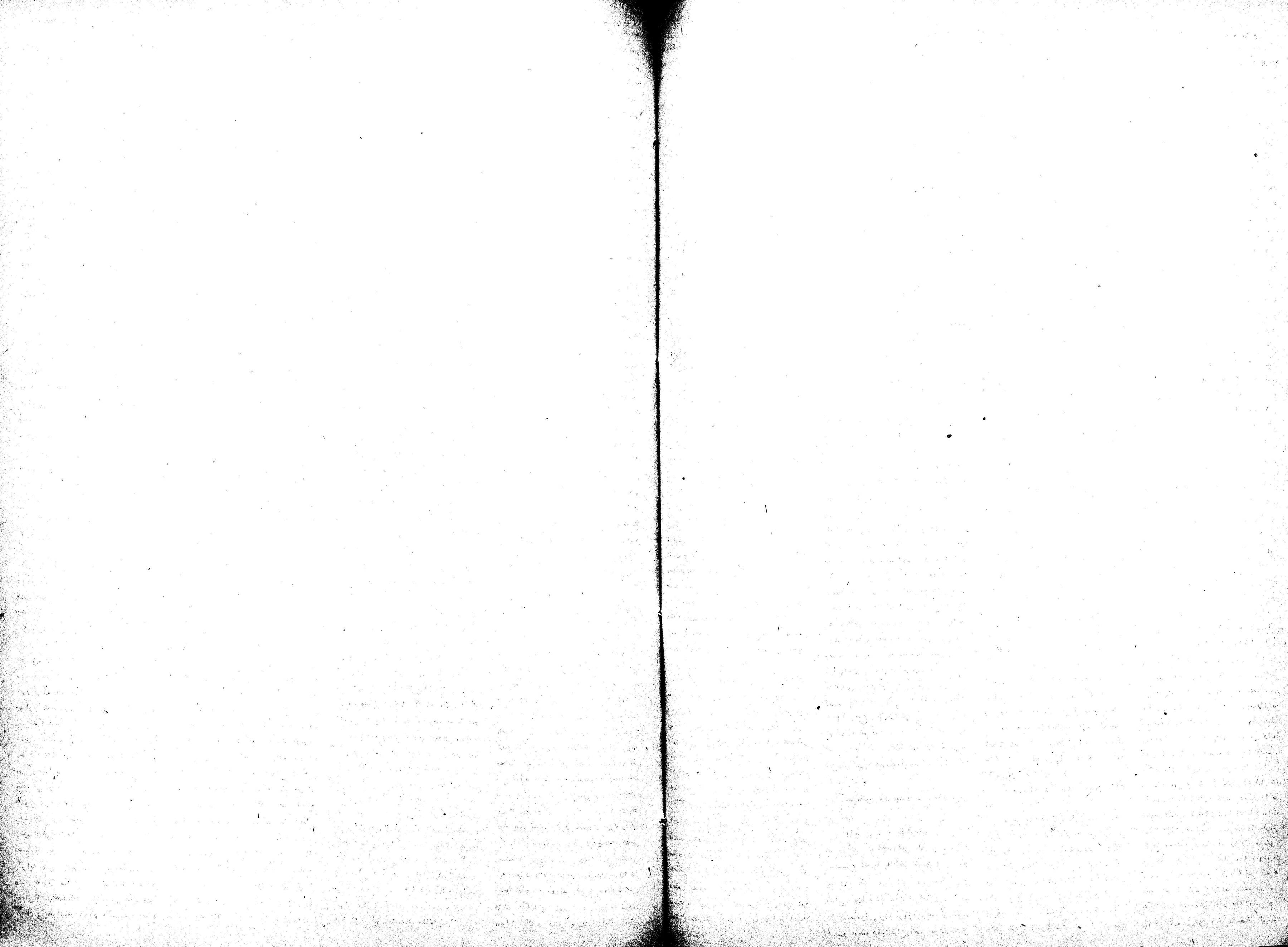
حاج شیخ اسدالله - بنده هم همین تقاضا را داشتم که چون دولت برای استیضاح حاضر شده است خوب است همین امروز تکلیف استیضاح معین شود

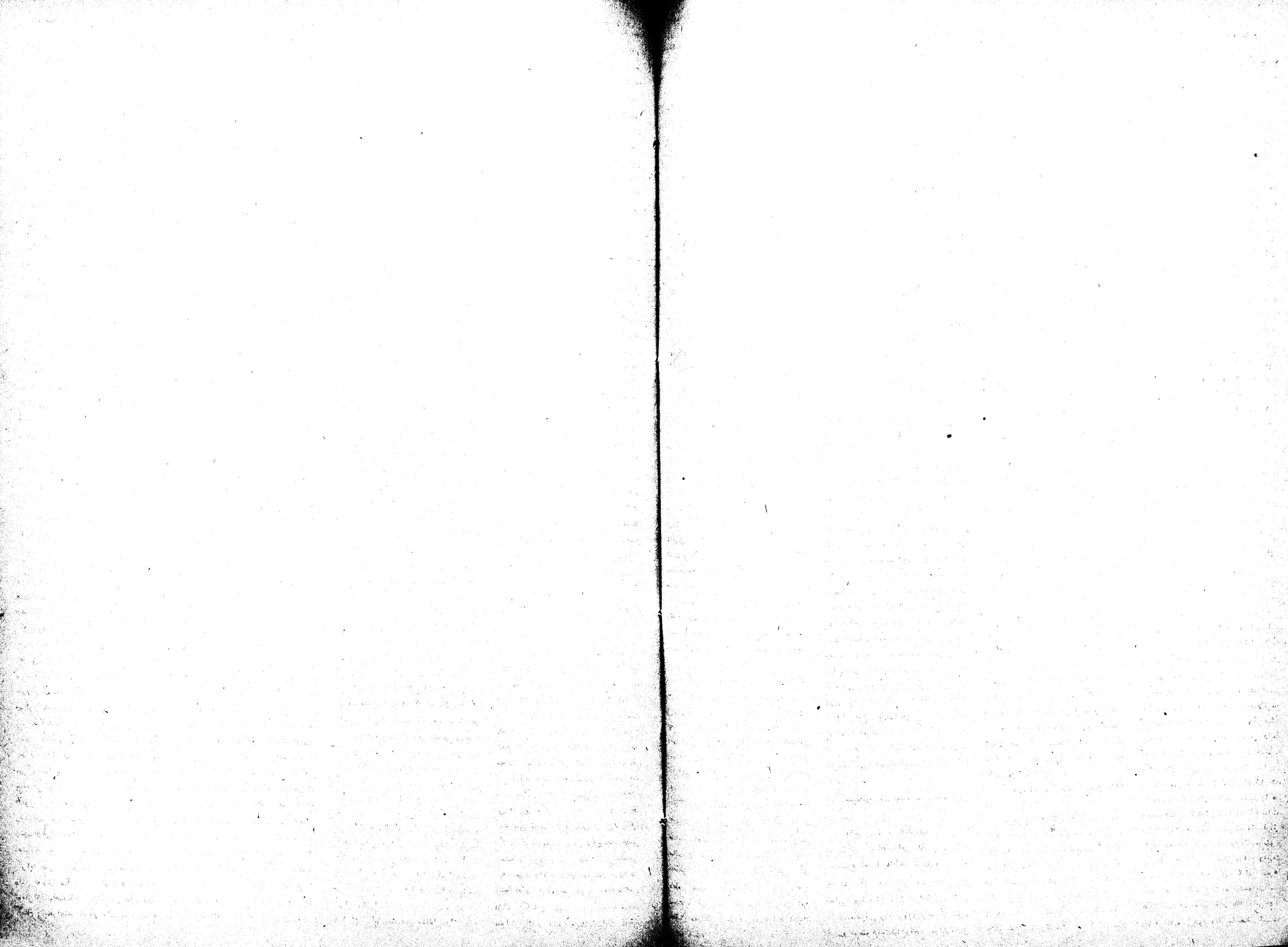
رئیس - آقای نجات (اجازه)

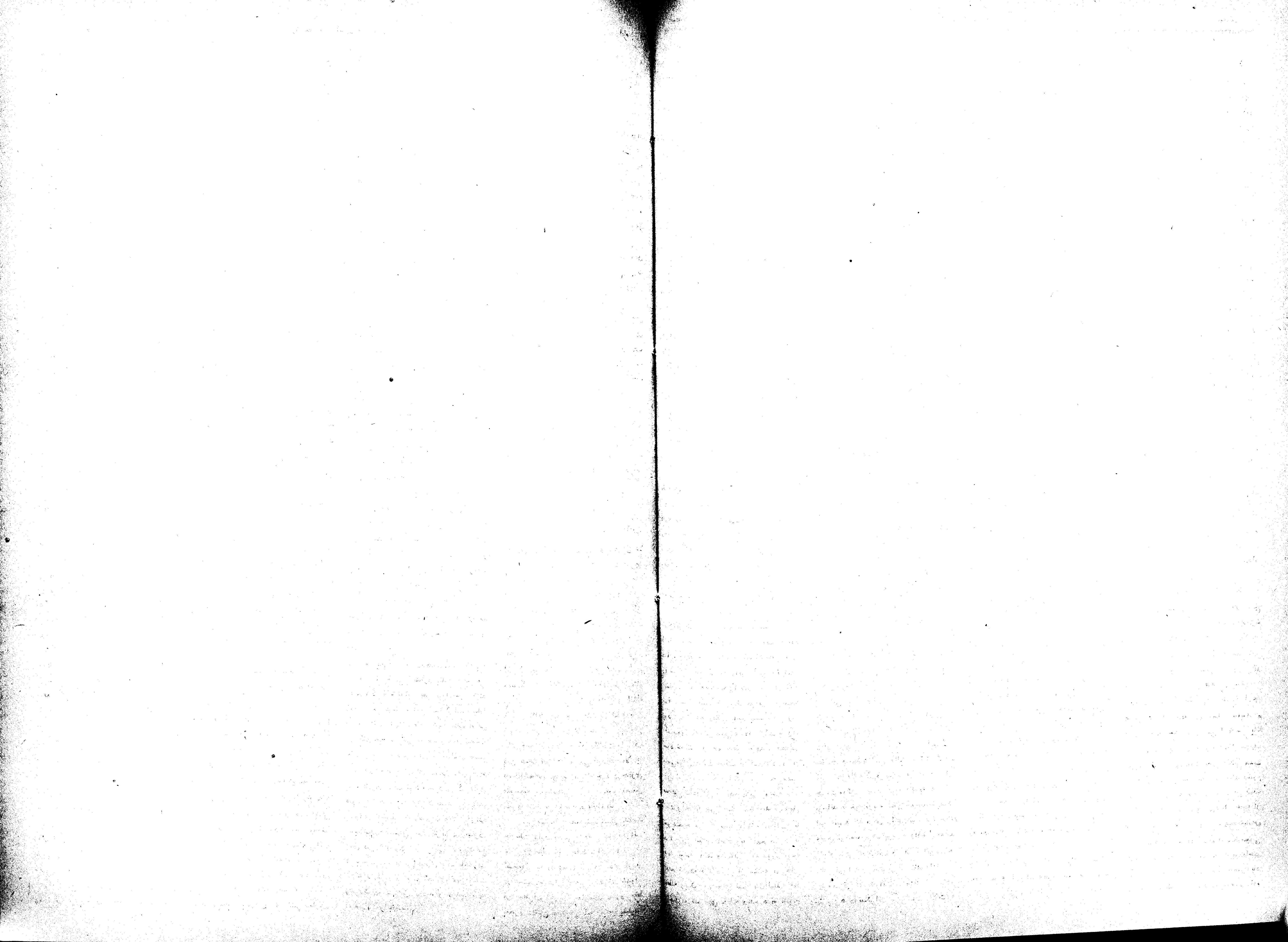
آقای میرزا محمد نجات - بنده چون موضوع را خیلی مهم میدانم تقاضا می کنم بعد از تنفس وقت استیضاح معین شود و این مسئله را پیشنهاد میکنم

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - بلی اگر مجلس رای بدهد که استیضاح بماند برای بعد از تنفس یا فردا البته رأی مجلس مطلع است ولی بنده چنانچه آقای نجات فرمودند به مسئله استیضاح این قدر اهمیت نمیدهیم و استیضاح را یکی از مسائل هادی مشروطیت می دانم يك استیضاحی از طرف جمع می نمایند گان شده است و دولت هم در مقابل جوابهائی خواهد داد و بالاخره رأی مجلس حکومت دارد مقصود این است اینطور که می فرمایند اهمیت دارد چنین نیست و یکی از امور هادی مملکت مشروطه است







معلومات لازمه و شرائط اختصاصی مقرر در نظامنامه های مخصوصه اداره مربوط را دارا باشند و این پیش نهاد بایش نهاد آقای مدرس خیلی فرق دارد اما این که آقای مخبر فرمودند پیش نهاد بنده نوشته شده است معلومات کافی و معلومات کافی نیست و معلومات لازم است به علاوه همین ماده سوم است ماده سوم را می خوانم.

ماده سوم - علاوه بر شرائط مندرجه در ماده دو دواطلبان خدمت رسمی در ادارات و وزارت خانه های باده معلومات لازم و شرائط اختصاصی مقرر در نظامنامه های مخصوصه اداره مربوطه را دارا باشند و پیش نهاد بنده در حقیقت يك استثنائی است برای ماده سوم قانون استخدام جامع الاطراف هم هست و اگر معلومات لازم را داده اند چه جهت دارد که قید بکنیم از منشی دومی بیشتر ترقی نخواهد کرد . باید مدیر شعبه هم بشود و به تمام درجات مندرجه در قانون استخدام ارتقاء باید اگر هم معلومات لازم را دارا نبودند اسلادار اداره پذیرفته نمی شوند

رئیس - آقای سهام السلطان (اجازه)
محمد هاشم میرزا - در باب پیشنهاد خود آقای تدین توضیح دادند معلوم شد که آقای مخبر کمیون غفلت کرده اند که این پیشنهاد یکی است و بنده هم عرض نکردم اهالی گون آباد بی سوادند عرض کردم آنجا مدرسه ابتدائی نیست و یازده مدرسه قدیمه دارد و قدا در آن جا مدرسه تاسیس نکرده اند در یک ناحیه که پنجاه پارچه داود یازده مدرسه قدیمه دارد در صورتی که هنوز مدرسه ابتدائی در آن جا هادائر نیست و تلنگراف هم در این موضوع شده است و نوشته اند ما که حقوق معارف می دهیم يك مدرسه ابتدائی و يك طبیب نداریم بنده نمی خواهم آن تلگراف را بخوانم والا تلگراف بهر علماء آنجا است که نوشته اند نه طبیب و مدرسه ابتدائی نداریم
 علت اینکه بنده خراسان را عرض کردم این است که خراسان از نقطه نظر علمی کمتر از
 سایر نقاط نیست و دارای چندین مدرسه ابتدائی است و تقریباً بیست سال است که در آنجا مدرسه ابتدائی دائر شده است و این هم برای این بود که قبل از این که دولت در آنجا بقیال تاسیس مدرسه بیافتد بعضی اهلخا از قبیل شوکت الملک و سردار مرز در آنجا مدرسه دائر کردند و آقای دانش الان حاضرند و خودشان در عهد مدرسه متوسطه را تشکیل دادند مقصود این است سواد را نباید منطبق نموده با مدرسه متوسطه زیرا ممکن است کسی خط خوب سواد کافی داشته باشد و متلا فقه و اصول وغیره را بماند بطوری که رئیس معارف

اظهار کردند این مسئله در ماده سه خود قانون استخدام نوشته شده کاشخاصی که باید دارای معلومات لازم اداری باشند پس این ایرادها برای این است که ماده را تغییر بدهیم و اگر بنا باشد تغییری داده شود و معلومات ابتدائی هم قید شود تصور کنیم بطوری که حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا هم فرمودند این قانون بدرد نمی خورد زیرا هر چه چهارده ساله معلومات شش کلاسه ابتدائی را دارد و این کسی که شما می فرمائید با ترتیب قدیمه تحصیل کرده باید آن هم بعقیده بنده دارای آن معلومات باشد و گمان کنم این ماده کفایت می کند تمام نظریات آقایان را حالا اگر بخوانند و اسرار دارند ممکن است چیز دیگری پیشنهاد کنند و کمیون مراجعه کرده و بعداً ارسال دارد ولی با این ترتیب تصور می کنم قانون استخدام تا آخر سال معطل بماند و به همین حال باقی باشد .

رئیس آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)
 پیشنهاد خود آقای تدین توضیح دادند معلوم شد که آقای مخبر کمیون غفلت کرده اند که این پیشنهاد یکی است و بنده هم عرض نکردم اهالی گون آباد بی سوادند عرض کردم آنجا مدرسه ابتدائی نیست و یازده مدرسه قدیمه دارد و قدا در آن جا مدرسه تاسیس نکرده اند در یک ناحیه که پنجاه پارچه داود یازده مدرسه قدیمه دارد در صورتی که هنوز مدرسه ابتدائی در آن جا هادائر نیست و تلنگراف هم در این موضوع شده است و نوشته اند ما که حقوق معارف می دهیم يك مدرسه ابتدائی و يك طبیب نداریم بنده نمی خواهم آن تلگراف را بخوانم والا تلگراف بهر علماء آنجا است که نوشته اند نه طبیب و مدرسه ابتدائی نداریم
 علت اینکه بنده خراسان را عرض کردم این است که خراسان از نقطه نظر علمی کمتر از
 سایر نقاط نیست و دارای چندین مدرسه ابتدائی است و تقریباً بیست سال است که در آنجا مدرسه ابتدائی دائر شده است و این هم برای این بود که قبل از این که دولت در آنجا بقیال تاسیس مدرسه بیافتد بعضی اهلخا از قبیل شوکت الملک و سردار مرز در آنجا مدرسه دائر کردند و آقای دانش الان حاضرند و خودشان در عهد مدرسه متوسطه را تشکیل دادند مقصود این است سواد را نباید منطبق نموده با مدرسه متوسطه زیرا ممکن است کسی خط خوب سواد کافی داشته باشد و متلا فقه و اصول وغیره را بماند بطوری که رئیس معارف

باید يك کمیون هائی در وزارت خانه ها تشکیل شود و سابقه اشخاص رسیده که شوی ولی باید يك ماده علیهمه نوشته شود و ضمیمه شود که امتحان معلومات را نکنند و به بینند اشخاص شایسته هستند یا نه و این بهتر است زیرا جامع تر و عملی تر از سایر پیشنهادها است بنده باین پیشنهاد رای می دهم ولی پیشنهاد آقای مدرس رای نخواهم داد
رئیس - آقای معتمدالتجار (اجازه)
 عرض این است در ایالات و ولایات کسانی که معلومات دارند ولی تصدیق نامه ندارند از ورود با ادارات محلی محروم نباشند .

مخبر - پیشنهاد آقای تدین را قبول می کنم
رئیس - مذاکرات سکاهی است .
(گفتند کافی است)
رئیس - آقای شیخ الاسلام اصفهانی (اجازه)
 شیخ الاسلام اصفهانی - بنده هم عقیده ام این است که پیشنهاد آقای تدین برای این که زود تر این قانون بگذرد خوب است آلان رای گرفته شود و دیگر يك کمیون نرود
 مخبر - برای این که زیاد معطل نکرده باشم قبول می کنم همین الان به پیشنهاد آقای تدین رای گرفته شود و اگر آقایان لازم میدانند اصل معلومات لازم نیست بنویسند و ما هم قبول می کنیم
رئیس - آقای آروسی (اجازه)
 حاج شیخ محمد حسن گروسی مقصود ما این نیست اشخاص بی سواد داخل در ادارات دولتی بشوند بلکه مقصود این است اشخاصی که در نقاط دور دست که مدارس متوسطه در آنجا وجود ندارد هستند معروض نباشند مثل فرض بفرمائید در ولایات بعضی اشخاص هستند که زحمت کشیده و با سوادند و باید لایق وزارت هم باشند بآنها نباید درجه معلمی داد برای این که چون داخل در مدارس جدید نموده و بسببکی که حالا معمول است متعیر نیستند و اگر فرضاً دارای عقل و کمال و انشاء خط و سواد و همه چیز باشد باز نباید داخل شوند مگر سابقاً فذلا و علماء و استوفی های قریب نبودند که در ولایات و کناز و در همین تهران کار می کردند حالا هم همین اشخاص بجزم این که چرا در مدارس متوسطه یا ابتدائی بطرز جدید تحصیل نکرده اند چرا باید محروم شوند
 این مسئله به عقیده بنده بسیار بد است چه علت دارد بگویی که تمام مراتب علمی را حائز است فقط برای این که تصدیق نامه در دست ندارد گفته شود تو در استخدام ادارات قبول نخواهی شد ولی از آنطرف کسی که معلومات ندارد فقط بجز داشتن تصدیق نامه باید پذیرفته

شما قانون استخدام شود
 ماده العاقیه - برای رسیدگی به سوابق مأمورین فملی ادارات دولتی تعیین رتبه های آنها کمیون تحقیقی مرکب از رؤساء اولیه ادارات دولتی که اعضاء آن از مأمورین ایرانی و خارجه خواهد بود موافقت تشکیل می شود و باید تا شش ماه کمیون مذکور تحقیقات و تنقیحات لازم کرده در صورتی که از مستخدمین مذکور معترض یا مظلوم بسوابق مشکو که باشد در جمع معسکه صالحه نمایند و بعد از معاضه و برزات آنها رسمیت شان تصدیق خواهد شد .
مخبر - این عمل چیز خوبی است بلکن در قانون استخدام داخل نیست و این اصلاح حال حاضر وزارت خانه ها

مقصود مخالفت ما از این راه است نه این که آقای مخبر بفرمایند اشخاص بی سواد را هم می خواهید داخل کنید بنا بر این عقیده بنده هم این است که بهمان پیش نهاد آقای تدین اگر رای گرفته شود بهتر است زیرا جامع تر و عملی تر از سایر پیشنهادها است بنده باین پیشنهاد رای می دهم ولی پیشنهاد آقای مدرس رای نخواهم داد

مخبر - پیشنهاد آقای تدین را قبول می کنم
رئیس - مذاکرات سکاهی است .
(گفتند کافی است)
رئیس - آقای شیخ الاسلام اصفهانی (اجازه)
 شیخ الاسلام اصفهانی - بنده هم عقیده ام این است که پیشنهاد آقای تدین برای این که زود تر این قانون بگذرد خوب است آلان رای گرفته شود و دیگر يك کمیون نرود
 مخبر - برای این که زیاد معطل نکرده باشم قبول می کنم همین الان به پیشنهاد آقای تدین رای گرفته شود و اگر آقایان لازم میدانند اصل معلومات لازم نیست بنویسند و ما هم قبول می کنیم
رئیس - آقای آروسی (اجازه)
 حاج شیخ محمد حسن گروسی مقصود ما این نیست اشخاص بی سواد داخل در ادارات دولتی بشوند بلکه مقصود این است اشخاصی که در نقاط دور دست که مدارس متوسطه در آنجا وجود ندارد هستند معروض نباشند مثل فرض بفرمائید در ولایات بعضی اشخاص هستند که زحمت کشیده و با سوادند و باید لایق وزارت هم باشند بآنها نباید درجه معلمی داد برای این که چون داخل در مدارس جدید نموده و بسببکی که حالا معمول است متعیر نیستند و اگر فرضاً دارای عقل و کمال و انشاء خط و سواد و همه چیز باشد باز نباید داخل شوند مگر سابقاً فذلا و علماء و استوفی های قریب نبودند که در ولایات و کناز و در همین تهران کار می کردند حالا هم همین اشخاص بجزم این که چرا در مدارس متوسطه یا ابتدائی بطرز جدید تحصیل نکرده اند چرا باید محروم شوند
 این مسئله به عقیده بنده بسیار بد است چه علت دارد بگویی که تمام مراتب علمی را حائز است فقط برای این که تصدیق نامه در دست ندارد گفته شود تو در استخدام ادارات قبول نخواهی شد ولی از آنطرف کسی که معلومات ندارد فقط بجز داشتن تصدیق نامه باید پذیرفته

مخبر - این عمل چیز خوبی است بلکن در قانون استخدام داخل نیست و این اصلاح حال حاضر وزارت خانه ها

باید يك کمیون هائی در وزارت خانه ها تشکیل شود و سابقه اشخاص رسیده که شوی ولی باید يك ماده علیهمه نوشته شود و ضمیمه شود که امتحان معلومات را نکنند و به بینند اشخاص شایسته هستند یا نه و این بهتر است زیرا جامع تر و عملی تر از سایر پیشنهادها است بنده باین پیشنهاد رای می دهم ولی پیشنهاد آقای مدرس رای نخواهم داد
رئیس - آقای معتمدالتجار (اجازه)
 عرض این است در ایالات و ولایات کسانی که معلومات دارند ولی تصدیق نامه ندارند از ورود با ادارات محلی محروم نباشند .

مخبر - پیشنهاد آقای تدین را قبول می کنم
رئیس - مذاکرات سکاهی است .
(گفتند کافی است)
رئیس - آقای شیخ الاسلام اصفهانی (اجازه)
 شیخ الاسلام اصفهانی - بنده هم عقیده ام این است که پیشنهاد آقای تدین برای این که زود تر این قانون بگذرد خوب است آلان رای گرفته شود و دیگر يك کمیون نرود
 مخبر - برای این که زیاد معطل نکرده باشم قبول می کنم همین الان به پیشنهاد آقای تدین رای گرفته شود و اگر آقایان لازم میدانند اصل معلومات لازم نیست بنویسند و ما هم قبول می کنیم
رئیس - آقای آروسی (اجازه)
 حاج شیخ محمد حسن گروسی مقصود ما این نیست اشخاص بی سواد داخل در ادارات دولتی بشوند بلکه مقصود این است اشخاصی که در نقاط دور دست که مدارس متوسطه در آنجا وجود ندارد هستند معروض نباشند مثل فرض بفرمائید در ولایات بعضی اشخاص هستند که زحمت کشیده و با سوادند و باید لایق وزارت هم باشند بآنها نباید درجه معلمی داد برای این که چون داخل در مدارس جدید نموده و بسببکی که حالا معمول است متعیر نیستند و اگر فرضاً دارای عقل و کمال و انشاء خط و سواد و همه چیز باشد باز نباید داخل شوند مگر سابقاً فذلا و علماء و استوفی های قریب نبودند که در ولایات و کناز و در همین تهران کار می کردند حالا هم همین اشخاص بجزم این که چرا در مدارس متوسطه یا ابتدائی بطرز جدید تحصیل نکرده اند چرا باید محروم شوند
 این مسئله به عقیده بنده بسیار بد است چه علت دارد بگویی که تمام مراتب علمی را حائز است فقط برای این که تصدیق نامه در دست ندارد گفته شود تو در استخدام ادارات قبول نخواهی شد ولی از آنطرف کسی که معلومات ندارد فقط بجز داشتن تصدیق نامه باید پذیرفته

مخبر - این عمل چیز خوبی است بلکن در قانون استخدام داخل نیست و این اصلاح حال حاضر وزارت خانه ها

کریم و مال این سه ماه اخیر را قرار شد به همین ترتیبی که در این جا نوشته شده است ریش را برای بدیم و اصلاحاتی که بعد می شود برای سال آتی مطرح خواهد شد
 آن روزی که بنده در کمیسیون بودم این طور صحبت شد و بطوری که در مجلس مذاکره شد يك شبهه استیناف حذف شود و آقای معاون وزارت عدلیه هم این ترتیب را قبول فرمودند که يك شبهه حذف شود
رئیس - آقای دستغیب (اجازه)
حاج سید محمد باقر دستغیب
 بنده در وقتی که این لایحه مطرح شد و شور در کلیات بود مخالف بودم و حالا هم با تمام مواضع مخالف خاصه باین ماده اولاً راجع باستیناف آذربایجان و فارس و کرمان و خراسان بنده هم راجع بتشکیلاتش مخالفم و هم راجع ببودجه اش
 اما مخالفت باطرز تشکیلات برای این است که عده از ولایات را زیر پا گذارند

بنده نمی دانم وزارت عدلیه چه نظری داشته که درباره بعضی از ولایات عقیده مند شده که آنها را از حقوق عدالت محروم نماید برای بعضی از آقایان شبهه حاصل شد و هم چه فرض کرده اند که بنده عرض نکردم بنده هماس یالنگه معاکم استیناف بنده چون در این جا محسکه استیناف برای اصفهان منظور نشده حالا شاید بعضی از آقایان نمایندگان اصفهان مخالف باشند که در اصفهان استیناف تاسیس شود آن يك موضوعی است که راجع بقایب معلی است ولی بنده در رسم خودم چون اطلاعاتی دارم عرض می کنم اصفهان يك جانی است که مقتضای هر گونه عدالت و تناسب معسکه استیناف لازم است دارد همین طور گیلان هم مستحق داشتن معسکه استیناف است برای خاطر این که فرضاً از رقتار خواهند کرد بهتر این است اول نگیری بکنیم که باین ترتیبی که داده ایم مخالفت نشود بعد رای بدهیم

بنده چون در این جا محسکه استیناف برای اصفهان منظور نشده حالا شاید بعضی از آقایان نمایندگان اصفهان مخالف باشند که در اصفهان استیناف تاسیس شود آن يك موضوعی است که راجع بقایب معلی است ولی بنده در رسم خودم چون اطلاعاتی دارم عرض می کنم اصفهان يك جانی است که مقتضای هر گونه عدالت و تناسب معسکه استیناف لازم است دارد همین طور گیلان هم مستحق داشتن معسکه استیناف است برای خاطر این که فرضاً از رقتار خواهند کرد بهتر این است اول نگیری بکنیم که باین ترتیبی که داده ایم مخالفت نشود بعد رای بدهیم

یعنی چه؟ اگر این پنجاه تومان جزو حقوق صدوسی تومان است که خوب است برخورد موجب اصل مبلغ اضافه شود اگر مقصود از این مدد معاش ملاحظه شخصی است که ما حقوق را با شخص نمی دهیم بلکه ما حقوق را برای مقام تصویب می کنیم و بنده هیچ فلسفه نمی بینم که وزارت خانه برای ملاحظه اشخاص پنجاه تومان هم در ماه بکسی که صدوسی تومان موجب دارد بعنوان مدد معاش اضافه بدهد و این مسئله هیچ منطقی ندارد و آن توضیحاتی که آقای مغربرادند بنده را قانع نکرد چون ایشان فرمودند سه ماه بیشتر با آخر سال باقی نمانده بنده هم باین ملاحظه در بعضی موارد ساکت شدم و عقیده داشتم و گفتم خوب است برای این چندماه که به آخر سال باقی مانده است یک اعتباری بوزارت عدلیه بدهند تا این که بودجه صحیح نوشته شود گفتند خیر این سه ماه هم باید از روی تشکیلات باشد بنده چون این تشکیلات راهم عملی نیبینم معتقدم که برهم بزنند همین طور یک اعتباری بوزارت عدلیه برای این دوسه ماهه بدهند تا اینکه برای اول حمل طرز تشکیلات آن وزارت خانه را تمام و بودجه آن را همین کرده و از مجلس بگذرد و برای سال نو و اول حمل بوقع اجرا گذاریم خلاصه این که چون بنده این تشکیلات فعلی را عملی بی بینم لذا مخالفم.

رئیس - آقای آقا سید فاضل (اجازه)

آقا سید فاضل - مسئله لزوم و عدم لزوم استیناف که آقای دست قیب اشاره فرمودند با حضور وزراء و معاونین آنها مکرر رسیدگی و مذاکره شد اما این که تصور می فرمایند مشکل است این ولایات اربعه یعنی اصفهان و گیلان و همدان و مازندران استیناف نداشته باشد بنده عرض می کنم چندان مشکل نیست برای اینکه ممکن است مستألف تلگرافی استیناف بدهد یا تلگرافاً برای انجام کار خود وکیل بگیرد.

پس این چندان مشکل نیست و همان چهار استیناف کافی است اما چون بنده خودم در کمیسیون بودجه هستم و از آنجا هم اظهار کردم راجع بعدم تناسب حقوق رئیس وعضو استیناف مخالف آن طور که باید مثل سایر وزارت خانها ثباتی ملحوظ شده باشد نشده زیرا رئیس استیناف صدوسی تومان حقوق دارد در صورتی که عضو استیناف ۷۰ تومان موجب دارد بنده در کمیسیون که فایده نندم ولی حالا اگر آقای مغرب را دلبلی دارند خوب است اظهار بفرمایند تا بنده قانع شوم تناسب حقوق رئیس و اعضاء همان دولت يك ثلث يك سوم است یعنی معمولاً حقوق روساه يك ثلث اضافه تر از حقوق اعضاء است

ولی در اینجا ابتدا این تناسب ملحوظ نشده و اگر آقای مخبر جواب ثانی دارند خوب است اظهار بفرمایند

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد (اجازه)

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - اینکه شاهزاده نصرت الدوله فرمودند این مذاکرات در کمیسیون خاصی شده بنده بودم و قبل از این مذاکرات طرف دستجات مختلف و دیگران هر کدام دو نفر بودند و در آن جا يك چیزهایی قطع شد یعنی خود آقای معاون قبول کردند و گفتند محل احتیاج نیست من جمله يك مدیر برای امور دفتر بود چون با داشتن يك نفر مدیر می خواستند يك مدیر دیگر هم اضافه کنند ما گفتیم در صورتی که شما استیناف آباده یاسر بزدر بطهران می آورند چه دلیل دارد که در تهران محاکم استینافی را زیاد می کنید و از آن محل ها کس می کنید خودشان هم قبول کردند و بالاخره توافق نظر حاصل و مسئله قطع شد حاله پس از اینکه مسئله ختم شد باز يك نفر را باسم مدیر دفتر زیاد کرده اند و حال آنکه آن رای که ما پریروز دادیم کاملاً مشهود بود که باید چیزهای خیلی ضروری را تشکیل دهند نه آن چیزهایی که لازم و ضروری نیست

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (بعضون ذیل قرائت شد)

حاج شیخ اسدالله بنده نسبت به اداره امور عرض ندارم و يك نظری دارم که چون موقع گذشته در آن باب چیزی عرض نمی کنم لکن چیزی که لازم است تذکر بدهم يك نکته است که در کمیسیون بودجه هم مذاکره شد ولی نمی دانم آقای وزیر یا آقای معاون وزارت عدلیه چه نظری داشتند که هر چه اصرار کردیم و خواستیم عقیده خودمان را بقبولانیم جسارت نمی کنم ولی همین قدر عرض می کنم قبول نکردند در اینجا برای حوزه های مرکزی تیناف يك صلحیه معین می کنند مثلاً برای آذربایجان سه محکمه ابتدائی که عبارت باشد از دو محکمه بدایت و يك محکمه تجارت معین می کنند و يك محکمه صلحیه معین می کنند در صورتیکه بطوریکه اخیراً از کمیسیون گذشته محاکم صلحیه حق رسیدگی تا چهار صد تومان را دارند با این حال بنده تعجب می کنم در آذربایجان چگونه يك صلحیه می تواند تمام دعوی مردم را رسیدگی و تأمین کند در حالی که اگر آقایان قدری دقت بفرمایند خواهند فرمود که کار محکمه صلحیه خیلی زیادتر از محاکم بدایت است و معمولاً آن اوقاتی که صلحیه تا دو دست و پنجاه تومان رسیدگی می کرد کارش زیادتر بود حالا بطریق اولی خیلی زیادتر

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (بعضون ذیل قرائت شد)

حاج شیخ اسدالله بنده پیشنهاد می کنم در ماده بیستم ۲۰ بین حقوق قبیله صلح و امیز صلح تفکیک شود.

رئیس - آقای حاج شیخ الاسلام (اجازه)

شیخ الاسلام اصفهانی - در جلسه که آقای مدرس بقام ریاست جلوس فرموده بودند بنده این پیشنهاد را تقدیم کردم ولی آقای مدرس در ذیل او مرقوم فرموده بودند این مطالب اسباب حرف می شود این است که بنده در اصل مطلب توضیحی عرض نمی کنم زیرا توضیح را آن کسی که حقوق دونفر را مخلوط نوشته باید بدهد ولی راجع باین قسمت اخیر عرض می کنم اگر کسی می خواهد حرمی بزند بزند زیرا حرف منت گوینده را خسته می کند اما همه معتقدم که باید دولت بیثبات مذهبی را حفظ کند و لازم ترین آن همانز که کردن مقام قضاوت است که قاضی صلح هم برای محاکم وهم برای صلحیه که قبیله باشد معین شود در موقعی که با همین آقای مدرس در انجمن ولایتی اصفهان بودیم ایشان فرمودند آن وقتی که صاحب کار تشریف می آورد پیش گاه و یونجه میخورد و باید یول بدهم برونه گاه و یونجه بخزند البته حفظ حیثات مذهبی خرج دارد و هر کس می خواهد حرفی بزند بزند ولی عقیده بنده این فرض صحیح نیست و عقیده دارم

نصف از این بودجه باید صرف قضای صلح شود نهایت چون سه ماه بیشتر با آخر سال نمانده است از ذکر این سؤال و جواب ها خودداری می کنم

مخبر - مقصود از تفکیک رانفهمید چیست؟ زیرا رسم بودجه همین طور است که نوشته شده و اشخاص که حقوقشان با هم مساوی است باید يك ترتیب نوشته شده چنانچه ملاحظه می فرمایید پنج نفر با امور احضار و اجراء از قرار نفری ده تومان حقوق می گیرند پنجاه تومان میشود و يك قلم نوشته شده همین طور هم دونفر امین صلح هر يك پنجاه تومان دارند مجبومأسد تومان نوشته شده است

رئیس - بیش نهاد را چه باید بکنم؟

شیخ الاسلام - اگر این قسم است که توضیح فرمودند بنده پیشنهاد خود را مسترد میدارم.

رئیس - رای می گیریم به ماده بیستم

آقایانی که این ماده را تصویب میکنند (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده بیستم و یکم قرائت می شود

(بعضون ذیل خوانده شد)

حوزه های بدایتی ایالات پنج حوزه بدایتی برای سبزوار و نیشابور و قوچان و سیستان و قائنات - اردبیل - آستارا - بوشهر و بنادر - ۱۶۰۵۰ تومان

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - راجع بقسمت معاون مدعی العموم - اگر نظر آقایان باشد بنده در جلسه قبل توضیح دادم که زیاد است و باید موضوع شده زیرا يك محکمه بدایتی سکه تشکیل می شود يك وکیل عمومی یا يك نفر مدعی العموم برایش کافی است و نمی شود هر دو را تماماً قرارداد خوب است آقای مخبر این مسئله را توضیح بدهند

رئیس - آقای دست قیب (اجازه)

حاج سید محمد باقر دست غیب باز هم عرض میکنم حقیقتاً این طرز تشکیلات مضحک است هفت حوزه بدایتی برای بوشهر سبزوار نیشابور - قوچان سیستان بنادر و اردبیل در این جا معین شده است بنده از سایر جاها اطلاعی ندارم ولی راجع به بنادر و بوشهر عرض میکنم که برای این دو محل يك حوزه ابتدائی معین شده است خیلی کم است گمان میکنم آقای آقا سید فاضل مسافرت نکرده اند اگر هم مسافرتی کرده اند گویا سربا با

آید راجع بصلحیه های حوزه استینافی ایالات اگر چه وقت گذشت ولی باز هم عرض میکنم که برای بودجه سال نو نباید قناعت بیک صلحیه بنمایند مثلاً بعقیده بنده در شیراز یا کرمان یا صلحیه کم است در تمام خطه آذربایجان دو صلحیه معین کرده اند در حالی که دعوی تا چهار صد تومان را رسیدگی می کنند قطعاً بیک صلحیه نمی تواند با کثرت کار بتمام دعوی رسیدگی کند و ناچار يك قسمت از امور حقوق متراکم خواهد ماند برای اداره اجرا هم بیک نفر کافی است و همین طور برای زیستدگی محکمه بدایت بیک نفر کافی خواهد بود ولی جایی که يك محکمه بدایت دارد باید خود او نویسنده کی را تکفل کند و بیک نفر نویسنده اضافه برای ه نفر مأمور اجرا زیاد است و البته اگر این بیک نفر حذف شود بهتر است و اگر هم برای بودجه این ۳ ماهه آخر سال ممکن نیست برای بودجه سه آتی این مسئله را در نظر داشته باشند

نصرت الدوله - راجع بمسئله معاون پسر که که آقای حاج شیخ اسدالله متذکر شدند که برای حوزه های ابتدائی بیک نفر مدعی العموم کافی است و معاون زیاد است این مسئله صحیح است ولی راجع بیک نفر نویسنده چون باید مأمورین اجرا احکام را اجرا کنند بیک نفر ثبات لازم است

رئیس - آقای محمد ولی میرزا (اجازه)

محمد ولی میرزا - بنده راجع بحوزه بندی آذربایجان ایراد داشتم زیرا برای آستارا و اردبیل هر کدام يك حوزه بدایتی معین کرده اند

در صورتی که آستارا نزدیک اردبیل است و برای ساوجبلاغ حوزه معین نکرده اند و حال آنکه ساوجبلاغ مرکز مهمی است و يك صلحیه لازم دارد مثلاً برای مرند که اهمیتش کمتر از ساوجبلاغ است محکمه معین کرده اند و برای ساوجبلاغ معین نکرده اند

معاون وزارت عدلیه - پنج حوزه معین شده است و آستارا و اردبیل يك حوزه معین نکرده اند

رئیس - آقای دست قیب

معاون وزارت عدلیه - بنده راجع بحوزه بندی آذربایجان ایراد داشتم زیرا برای آستارا و اردبیل هر کدام يك حوزه بدایتی معین کرده اند

معاون وزارت عدلیه - پنج حوزه معین شده است و آستارا و اردبیل يك حوزه معین نکرده اند

بنده راجع بحوزه بندی آذربایجان ایراد داشتم زیرا برای آستارا و اردبیل هر کدام يك حوزه بدایتی معین کرده اند

معاون وزارت عدلیه - پنج حوزه معین شده است و آستارا و اردبیل يك حوزه معین نکرده اند

بنده راجع بحوزه بندی آذربایجان ایراد داشتم زیرا برای آستارا و اردبیل هر کدام يك حوزه بدایتی معین کرده اند

رئیس - آقای دست قیب

معاون وزارت عدلیه - پنج حوزه معین شده است و آستارا و اردبیل يك حوزه معین نکرده اند

کافی نیست که بتوانیم در تمام قلمرو مملکت عدلیه داشته باشیم البته اگر بشود از این بهتر چیست و در صورتیکه بتوانند تشکیل بدهند همه موافقت و اینکه تشکیل ندهند از نقطه نظر اقتصاد و صرفه جوئی است والا گمان می کنم کسی مخالف با تشکیل محاکم در تمام نقاط مملکت نباشد

رئیس - آقای مساوات (اجازه)

مساوات - این ماده بطور مجمل نوشته شده و آن این است که پنج حوزه معین کرده اند در صورتیکه اسامی که نوشته شده بیشتر از آن است و در سؤالی که يك نفر از آقای مخبر نمودند ایشان جواب دادند و هر دو محل يك حوزه دارد مثلاً سبزوار نیشابور یکی اردبیل و آستارا یکی بوشهر و بنادر یکی سیستان و قائنات یکی خوب است در اینجا تصریح نمایند

مخبر - ممکن است بیش از این تصریح شود

رئیس - آقای داور (اجازه)

میرزا علی اکبر خان داور - مطالب بنده را آقای مستشار الملک اظهار نمودند ولی می خواستم با آقای دست قیب عرض کنم که جغرافیای مملکت را شاید بعضی در نظر داشته باشند ولی از يك طرف ما می خواهیم حتی الامکان مخارج را تقلیل کنیم و از يك طرف می خواهیم در تمام نقاط ایران معاکمه بدایت و صلحیه داشته باشیم و این دو فکر البته مانعاً الجمع نیست از طرف دیگر نهمه از این سال گذشته و سه ماه دیگر بیشتر باقی نیست و در خارج عده از آقایان و کلاه از دستجات مختلف حاضر بودند و قرار شد بهتر ترتیبی که هست این بودجه را قبول کنیم و بعداً اگر اظهاری داریم در بودجه سال آتی پیش نهاد اظهار کنیم و خواستم تقاضا کنم بیش از این این دو ماده را اشکال نکنند و بگذارند بگذرد که بودجه ها تکلیفش معین شود

رئیس - مذاکرات کافی است؟

رئیس - (جمعی گفتند کافی است)

رئیس - پیشنهاد آقای رکن الملک قرائت می شود

(بعضون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم در محاکم بدایت ایالات و ولایات که بیش از يك شعبه نیست فقط يك نفر مدعی العموم تصویب و وکیل عمومی حذف شود

مخبر - این را که بنده قبول کردم و از مبلغ ۱۶۱۵۰ تومان حقوق این پنج نفر کسر شود ربع مازاد (۱۵۱۵۰) تومان خواهد شد

رئیس - رای می گیریم بماده بیست و یکم مبلغ پانزده هزار و صد و پنجاه تومان - آقایانی که تصویب می کنند قیام

بنده راجع بحوزه بندی آذربایجان ایراد داشتم زیرا برای آستارا و اردبیل هر کدام يك حوزه بدایتی معین کرده اند

مرکز از همه حیث مقدم است ولی نباید در مرکز همه چیز باشد و در ولایات هیچ نباشد و باید در ایالات ولایات هم این تشکیلات را برقرار کرد لهذا بنده مخالفم (اغلب از نمایندگان گفتند)

مذاکرات کافی است) رئیس - رأی می گیریم بماده بیست و دوم که مبلغ سه هزار و پانصد تومان است آقایانی که این ماده را تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند) رئیس - تصویب شد چون ظهر گذشته است جلسه ختم می شود جلسه آینه روز شبه دستور اولاً لایحه ملخ گیری تانبا لایحه مستمریات ثالثاً راپورت شعبه راجع بنمایند بوشهر پیشنهادی از طرف مغرب السلطنه رسیده است قرائت می شود (بدین نهج تقریر شد)

این بنده پیشنهاد می کند هرچه زود تر از طرف مجلس بدولت اخطار شود که در محافظه تمبرهای باطله که قیمت ممتاز به دارد تأکید نمایند والا از این تاریخ تمبرهای باطله قانوناً در معرض یغما خواهند بود

رئیس - میرود بکمیسیون مبتکرات آقای سردار مغفم (اجازه)

سردار مغفم - لوائمی که به کمیسیون فوائد عامه مراجعه می شود اکثر آنها عام المنفعه است البته هر قدر زودتر تکلیف آنها معلوم شود بهتر است در چند فقره از این لوائح در کمیسیون شور شده و راپورتش بمعرض مجلس رسیده تقاضای کنم افلا هفته یکی از آن هاجزو دستور شود و مذاکره در آن بشود یک فقره از آن لوائح که در کمیسیون شور شده و راپورتش تقدیم شده است راجع به کمیسیون راه آهن است و از قراریکه صاحبان اجازه اظهار می دارند می خواهند مسافرتی برای انجام این قضیه بنمایند لذا تقاضا میکنم راپورت کمیسیون جزو دستور شبه بشود که در اول جلسه اگر مقتضی بدانند مذاکره شود تا تکلیف صاحبان اسیون که خیال مسافرت دارند معلوم شود

رئیس - در این باب کسی مخالف نیست آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - بنده با این پیشنهاد حضرت والا اساساً اصلاً و فرماً مخالفم خصوصاً اینکه جزو دستور روز شبه بنگارند بنده معنی اسیون را نمی فهمم چیست چون بنده نمی فهمم که چه فایده برای ملکات دارد لذا مخالفم جزو دستور پس فردا بشود

رئیس - آقای آقا سیدفاضل (اجازه)

آقا سیدفاضل - بنده معنائش را فهمیده ام و مدت زمانی است که بنده این مطلب را شنیده بودم اما در اصل ماهیت داخل نمی شوم وقتی که داخل در ماهیت شدیم مخالفتهم را عرض می کنیم ولی معالتهام با اینکه جزو دستور شد اما مخالفم بجهت اینکه لوائح مهمتری هست که مدتی است در کمیسیون گذشته و بهتر این است مقرر فرمائید آنها جزو دستور شود

رئیس - رأی می گیریم بپیشنهاد آقای سردار مغفم آقایانی که بپیشنهاد ایشان را تصویب می کنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - این لایحه هم جزو دستور شد رئیس الوزرا - آقایان در خاطر دارند که در چندی قبل بر حسب تقاضای متخصصین بلدی که جدیداً مستخدم شده است یک مهندس بلدی با چهار هزار دلار تصویب شد که از آمریکا استخدام شود و همین طور هم دستور داده شد اخیراً بموجب تلگرافی که رسیده است یک نفر مهندس لایق تری دلار تقاضا کرده اند این است که بموجب این لایحه دولت تقاضا دارد هزار دلار بر حقوق مهندس که سابقاً تصویب شده بود علاوه شود

رئیس - آقای نصرت الدوله (اجازه)

نصرت الدوله - بنده راجع بدستور اجازه خواسته بودم و تصور می کردم که دوشنبه بیودجه تصویب داده شده است ولی چون آقایان میفرمایند روز یکشنبه تصویب داده شده است لذا استدعا می کنم یک لایحه راجع بامراض حیوانات است آن را هم اگر راپورتش موجود باشد برای روز شبه یا یکشنبه جزو دستور شود تا زودتر تکلیفش معلوم شود

رئیس - در این باب مخالفی نیست

(اظهاری نشد) وزیر پست و تلگرافی - سابقاً یک لایحه از کمیسیون قوانین مالیه راجع به

تصرفه جدید بستی مجلس شورای ملی آمد و در غور و اولش هم مذاکره شد این لایحه مدتی است بکمیسیون رفته و هنوز برنگشته چون دولت می خواهد دستور طبع تمبرهای جدید سلطان احمد شاهی بدهد استدعا می کنیم در اسرع وقت مقرر فرمائید راپورت شور ثانی هرچه زودتر بمجلس تقدیم شود که جزو دستور بیاید و بگذرد رئیس - بسیار خوب تأکید می شود که زودتر تکلیفش را معین کنند

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - پیش نهادی را که

آقای مغرب السلطنه نموده بودند بنده هم امضاء کرده ام و تصور می کردم لازم نیست برود بکمیسیون یک ماده واحد مستقلی بشود و این مطلب واضح و عملی بوده است و ممکن است همین جا هم با حضور دولت تصمیمی در این باب گرفته شود

حالا برای روشن شدن اذهان آقایان تذکر میدهم که از قدیم معمول بوده است بستخانه تمبرهای خود را روی پاکت الصاق می کردند و هیچ وقت تمبرهای پنج قرانی و یک تومانی دیده نشده است که روی پاکت به چسباندند و در مملکت ما معمول است آن تمبرهای درشت را هم بر امانات بستی اختصاص می دهند و عوض اینکه روی امانت به چسباندند در دفتر بارنامه می چسباندند و می توان گفت همیشه این تمبرها در وزارت خانه هست بنا بر این این یک انحصاری است که دولت برای خود دارد و قبلاً در سال هفت هشت هزار تومان بطور مقاطعه می فروخته اند ولی حالا از قراریکه می گویند بیست و پنج هزار الی سی هزار تومان هایدی دارد چون پررروز در ضمن استبضاح مذاکراتی شد و بعد رای داده شد زیرا آقای رئیس الوزرا اظهار نمودند این تمبرها قابل نیست ممکن است در خارج یک سوء تعبیری بشود که آقایانی که رای سفید داده اند شاید منظورشان این بوده است که این تمبرها اهمیت ندارد بنا بر این بعد از این هم اهمیت داده نخواهد شد اگر چه بنده گمان می کنم ایشان هم همچو منظوری نداشته اند زیرا اگر این منظور باشد اسباب خسارت برای دولت می شود و اگر در این مطلب توضیحاتی داده نمیشد شاید در خارج سوء تعبیر می شد لذا آقای حاج مغرب السلطنه و بنده لازم دانستیم که بمعرض مجلس برسائیم که بدولت تذکر داده شود که این تمبرها جزو مالیه دولت است و باید مثل مالیه دولت حفظ شود و حالا هم که آقای رئیس الوزرا تشریف دارند اگر ممکن است خودشان توضیح بدهند والا اگر به کمیسیون مبتکرات رجوع شود با کثرت کارهای که موجود است چندان موقعی ندارد این است که بنده تقاضا می کنم آقای رئیس الوزرا بفرمایند که در مجلس رای گرفته شود و اگر توضیح رئیس دولت کافی است توضیح بدهند که اسباب سوء تفاهم نشود وزیر پست و تلگرافی - در اینصکه تمبرهای باطله مال دولت است حرفی نیست و به محل فروش هم میرسیده و جزو هایدی دولت هم محسوب می شده و این تمبرهای باطله که به بارنامهها الصاق می شود از تمام نقاط مملکت به مرکز می آید و ضبط می شود و یک مدتی آنها را نگاه می دارند و بعد که جمع شد می فروشند و مبلغ هایدی آن را درست نمی دانم ولی گمان نمی کنم

این قدرهایی که حضرت والا گفتند بشود ولی در هر صورت اداره پست آن تمبرهای بارنامه را می فروشد و جزو حساب دولت می آورد و چیزی که آقای رئیس الوزرا فرمودند راجع به تمبرهایی بود که در موقع ورود قشون انگلیس سورشارژ شده بود و مقصودشان این بود که آن تمبرها را باید سوزانده باشند والا مقصودشان این نبوده که کلیه تمبرها قابل نیست و بنایه جزو مالیه دولت محسوب میشود (مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس مؤتمن الملک جلسه ۱۹۰

صورت مشروح مجلس یوم شنبه بیست و چهارم قوس ۱۳۰۱ مطابق بیست و هشتم ربیع الثانی مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر بر ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید

رئیس - گویا نسبت بصورت جلسه ایرادی نباشد؟

آقای نصیر دیوان (اجازه)

نصیر دیوان - بنده نسبت بصورت

مجلس عرض ندارم راجع بیک لایحه است که از اتحادیه تجار کرمانشاهان رسیده است از مجلس اجازه می خواهم که قرائت بکنم قبلاً هم از مقام ریاست در این باب استعجاز کرده ام

رئیس - مخالفی در این باب نیست؟ (گفته شد خیر)

نصیر دیوان - البته خاطر آقایان نمایندگان محترم مسبوق است که در همین مجلس مکرر آقای ارباب کبشرو سایر نمایندگان محترم راجع بخروج مسکوکات شرحی اظهار فرمودند و حالاً هم یک لایحه از اتحادیه تجار کرمانشاهان رسیده و تقاضا کرده اند که این لایحه در مجلس قرائت شود تا مسبوق باشند و یک تصمیمی برای این کار اتخاذ فرمایند (لایحه فوق را بشرح ذیل قرائت نمودند)

در تاریخ پنجم ربیع الاول عملیات بانک شاهی را راجع بانکه در هر ماه قریب یک کروار تومان قران حمل بخارجه مینماید بدولت تلگراف نموده و مخصوصاً متذکر شد که اگر چندی باین ترتیب بگذرد از طلا و نقره در ایران فقط و فقط اسمی باقی مانده و عملاً قریب ماملات منجر به مآوضه خواهد گشت از ریاست وزراء معظم جوانی رسید مبنی بر کلمه معموله وزارت خانها (تعلیمات کافی در جلو گیری از قاچاق داده شده) تعلیمات مزبوره از عملیات بانک به پیچ و چله گیری ننموده

بلکه در هفته قبل سیصد و شصت صدوق قران (شاید پول طلا هم جوف صدوق)